

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹
(از ص ۲۴۷ تا ص ۲۶۶)



[10.22059/jares.201804.142556](https://doi.org/10.22059/jares.201804.142556)

[Print ISSN: 2676-4288- Online ISSN: 2251-9297](https://jares.ut.ac.ir)

<https://jares.ut.ac.ir>

The Mountainous Passage of Western Central Zagros and Khorasan High Road on Akkadian Seals

Mohammad Amin Mirghaderi

PhD Graduate of Archaeology, University of Tehran

Kamaleddin Niknami

Professor, Department of Archaeology, University of Tehran

Received: 17 April, 2018; Accepted: 21 September, 2020

Abstract

Abstract: Sar-e Pol-e Zahab region in the western of Central Zagros is located between Central Zagros highland and Mesopotamia and Khorasan high road as only western- eastern road passes from that. In other hand this road after passing Sar-e Pol-e Zahab enter to Qasr-e Shirin and Mesopotamia low lands. Therefore, this region is very important in archaeological studies of Central Zagros and Mesopotamia. However, unfortunately, a few archaeological researches have been done in this region. The present study aims in representing a perspective about the Sar-e Pol-e Zahab during the Akkadian period as well as reviewing the written documents regarding the mutual relations and Akkadian cylinder seals discovered in archeological excavations in order to help the interpretations about the presence of Akkadians in this region. In this paper we will discuss about the Mountainous Passage of western Central Zagros and Khorasan High Road on the Akkadian Seals and will explain the location of Sar-e Pol-e Zahab on the Akkadian Seals.

Keywords: Central Zagros, Sar-e Pol-e Zahab, Akkad, Batir, Akkadian seals.

گذرگاه کوهستانی غرب زاگرس مرکزی و شاهراه خراسان بزرگ بر مهرهای دوره اکد

میرقادری، محمّدامین*

دانش آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

کمال‌الدین نیکنامی

استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

چکیده

منطقه سرپل‌ذهاب در غرب زاگرس مرکزی و استان کرمانشاه، منطقه‌ای مرزی میان ارتفاعات زاگرس و دشتهای پست میانرودان است و اصلی‌ترین راه شرقی- غربی زاگرس مرکزی (شاهراه خراسان بزرگ) از آن عبور می‌کند؛ به عبارت دیگر پس از عبور شاهراه خراسان بزرگ از سرپل‌ذهاب وارد دشت قصرشیرین و در امتداد رود دیاله وارد عراق می‌شود. همین وضعیت جغرافیایی باعث شده که این منطقه برای مطالعات باستان‌شناسی بسیار جذاب باشد؛ چراکه می‌توان بازتابی از رخدادهای تاریخی و فرهنگی در طی دوره‌های مختلف را در این منطقه مشاهده کرد. بنابراین در این مقاله با توجه به موقعیت راهبردی این منطقه در مطالعات باستان‌شناسی زاگرس مرکزی و همچنین میانرودان، به عنوان منطقه‌ای مرزی میان دو حوزه‌ی فرهنگی مهم در باستان‌شناسی خاور نزدیک، تلاش شده با استفاده از منابع تاریخی، مهرها و اثر مهرها تصویری روشن از این منطقه همزمان با دوره‌ی اکد در میانرودان ارائه دهیم. با توجه به افزایش شگفت‌انگیز متون در این دوره، اطلاعات ارزشمندی در مورد جایگاه این منطقه در دوره‌ی اکد در دسترس است که به آن‌ها خواهیم پرداخت. مطالعات ما نشان می‌دهد احتمالاً برخی از مهرهای اکدی در حال به تصویر کشیدن ارتفاعات زاگرس مرکزی، شاهراه خراسان بزرگ و سرپل‌ذهاب به‌عنوان دروازه ورود به زاگرس و مرکز فلات ایران هستند.

واژه‌های کلیدی: زاگرس مرکزی، سرپل‌ذهاب، اکد، کوه بتیر، مهرهای اکدی.

۱. مقدمه

سرپل ذهاب واقع در غرب زاگرس مرکزی، منطقه‌ای مرزی میان ارتفاعات زاگرس و دشت‌های پست میانرودان است. این منطقه به دلیل موقعیت ممتاز و قرارگیری در امتداد شاهراه خراسان بزرگ از سوی برخی از شرق-شناسان به عنوان دروازه آسیا/زاگرس عنوان شده است (Herzfeld, 1920) (تصویر ۱). متأسفانه با توجه به اهمیت راهبردی این منطقه برای جوامع کهن، اطلاعات باستان‌شناختی ما پیرامون این منطقه محدود به چند بنا از دوره‌های تاریخی اشکانی و ساسانی و نیز نقوش برجسته آنوبانی‌نی و ایدین‌سین است. علاوه بر اینها کشفیات اتفاقی بسیار مهم مانند کشف سنگ یادمان بمو (راد، ۱۳۳۸؛ Hintz, 1966)، کشف یک کودورو سنگی (سنگ یادمان مرزی) مربوط به اواخر هزاره دوم پ.م (حاکمی، ۱۳۴۷).

با توجه به جایگاه این منطقه و اهمیت راهبردی آن برای جوامع ساکن در دشت‌های پست میانرودان، به نظر می‌رسد این منطقه همواره مورد توجه آن‌ها بوده است. در متون متعدد از دوره سلسله‌های قدیم، اکد، اور III، بابل قدیم و نیز در طی دوره آشور از سرپل ذهاب با نام‌های آرمان/آرمن، خلمن/خلمن، خلمن/خلمان و خلوان نام برده شده است (Luckenbill, 1927). از آنجایی که اطلاعات ما پیرامون جوامع ساکن در دشت‌های پست میانرودان و نیز جوامع ساکن در ارتفاعات زاگرس مرکزی در دوره اکد بسیار افزایش پیدا می‌کند، تلاش می‌کنیم تفسیر و سیمای جدیدی از سرپل ذهاب در دوره اکد ارائه کنیم. متون در این دوره اطلاعات مهمی در مورد ساکنان ارتفاعات شرقی در اختیار ما قرار می‌دهند اما شواهد باستان‌شناختی اندکی در این زمینه وجود دارد. به‌نظر می‌رسد با توجه به اهمیت شاهراه خراسان بزرگ و نیز زاگرس مرکزی برای اکدی‌ان، بتوان بازتاب این اهمیت را در آثار فرهنگی اکدی مشاهده کرد؛ در همین راستا مهرهای استوانه‌ای اکد را می‌توان به‌عنوان یک منبع بسیار مهم برای شناخت جایگاه زاگرس مرکزی بشمار آورد. مهرهای استوانه‌ای اکد به دفعات در حال نشان دادن ارتفاعات غرب ایران هستند که خدایان و الهگان میانرودانی را در خود جای داده است. برای نخستین بار می‌توان بر روی این مهرها وجود یک گذرگاه طبیعی و یک منطقه راهبردی را مشاهده کرد. به‌نظر می‌رسد این مهرهای اکدی در حال نشان دادن گذرگاه شاهراه خراسان بزرگ و سرپل-ذهاب به‌عنوان دروازه ورود به زاگرس هستند.

۲. جغرافیای منطقه

دشت‌های واقع در شهرستان سرپل ذهاب را به‌عنوان غربی‌ترین دشت‌های میان‌کوهی زاگرس مرکزی می‌شناسیم. این دشت‌ها شامل دشت‌های ذهاب در شمال، بشیوه و پاتاق در شرق و قلعه شاهین در جنوب شرق است که در غرب استان کرمانشاه (تصاویر ۲ و ۳)، و غرب کشور واقع شده است. با توجه به ساختار چین-خوردگی‌هایی زاگرس مرکزی، راه‌های ارتباطی اندکی برای اتصال دشت‌های میان‌کوهی با یکدیگر و نیز مناطق همجوار فراهم کرده که همین عامل باعث شده که شاهراه خراسان بزرگ که سرپل ذهاب ابتدای مسیر غرب به شرق آن است از اهمیت فراوانی هم برای جوامع ساکن در زاگرس مرکزی و هم برای جوامع میانرودانی داشته باشد (Oberlander, 1965; Rothman, 2011).

۳. دوره اکد در میانرودان (۲۳۳۰-۲۱۵۴ پ.م)

فرمانروایان سومری در سراسر دوران سلسله‌های قدیم (۲۹۰۰-۲۴۰۰ پ.م) برای تسلط یافتن بر دولت‌شهرهای انگشت‌شمار سومری با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند (Luckenbill, 1923: 8). برای آن‌ها سومر منطقه میان سواحل دریا در جنوب و کیش در شمال بود و آشور و ماری همچون ایلام سرزمین‌های بیگانه به حساب می‌آمدند. آن‌ها در حدود ۲۴۰۰ پ.م شاهزادگان سامی مقیم مرکز میانرودان را متحد کردند. نه تنها سارگن و جانشینانش همه دولت‌شهرها را به اطاعت واداشتند بلکه تمامی حوزه دجله فرات را به انضمام بخش‌هایی از سرزمین‌های همسایه به تصرف درآوردند و به خلیج فارس لشکر کشیدند (Frayne, 1993) و به این ترتیب نخستین امپراتوری بزرگ میانرودان را بنیاد نهادند (Liverani, 1966: 1993). دوره قدیم اکد (۲۲۰۰-۲۳۳۰ پ.م) که ما آن را با نام دوره سارگنی نیز می‌شناسیم پس از دوره سلسله‌های اولیه III در میانرودان شروع می‌شود (Brisch, 2013: 120). هر چند هنوز تاریخ‌گذاری دقیقی برای سلسله اکد در دست نداریم و توالی شاهان اکد بر اساس منابع فهرست شاهان و فهرست‌های سومری تنظیم شده اما سارگن (۲۲۷۹-۲۳۳۴ پ.م) توانست برای نخستین بار دو بخش شمالی و جنوبی میانرودان به صورت کشوری یکپارچه به هم پیوسته و منطقه‌ی وسیعی را از کوه‌های توروس در شمال تا خلیج فارس در جنوب، از کوه‌های زاگرس در شرق تا دریای مدیترانه در غرب زیر سلطه خود قرار دهد (Crawford, 1991) (تصاویر ۴ و ۵). امپراتوری سارگنی که به مدت تقریبی دو بیست سال دوام یافت به دست نیرویی مرکب از قبایل زاگرس‌نشین (Halla, 1971) و شورش‌های داخلی سرنگون شد (Eppihimer, 2010: 365). هر چند دانسته‌های ما پیرامون تحولات نیمه اول قرن بیست و پنجم پ.م بسیار اندک است اما اطلاعات ما در مورد میانرودان اکدی با ظهور سارگن بسیار افزایش می‌یابد (Nigro, 1998: 85). با این حال گاهشماری رویدادها در دوران پادشاهی سارگن نامشخص است و ما مجبوریم برای پی بردن به تسلسل زمانی آن‌ها به منابع اطلاعاتی دیگر مراجعه کنیم تا ببینیم سال‌های نخستین فرمانروایی سارگن چگونه گذشته است. بیشتر آنچه ما درباره‌ی شخصیت‌های مهم سلسله‌ی اکد می‌دانیم در الواح پیشگویی برجای مانده است (مجیدزاده، ۱۳۸۰).

پس از سارگن دو فرزند وی یعنی ریموش و مَنیشتوشو به قدرت می‌رسند (Eppihimer, 2010: 366). به نظر می‌رسد هم ریموش و هم مَنیشتوشو در ابتدای حکمروایی خود درگیر شورش‌هایی در شرق دجله بودند (Levin 2002: 360). احتمالاً ریموش در آغاز جلوس به تخت شاهی (۲۲۷۰-۲۲۷۸ پ.م) آشکارا با یک شورش عمومی روبه رو بوده و حمله‌ای موفقیت آمیز به ایلام کرده و توجه خود را به تسخیر دوباره سرزمین‌های شرقی امپراتوری، پس از سرکوبی شهرهای میانرودانی معطوف داشته است (Nigro, 1998). شرح این لشکر کشی بزرگ ریموش در یک کتیبه که از نیپور بدست آمده، بیان شده است، جنگی که در محلی میان اُون و شوش در ساحل رودخانه ای به نام قَبلیتوم در گرفت (Goetze, 1968: 53-55). همچنین شرح نبردهای ریموش بر روی ظروف مرمین که بر آن‌ها پیروزی وی بر ایلام و مرهشی نقش بسته است. نخستین سال پادشاهی مَنیشتوشو (۲۲۵۵-۲۲۶۹ پ.م) می‌بایست به آرامی گذشته باشد زیرا از وی در شوش مجسمه‌ای سنگی بدست آمده است که اشیپوم انسی شوش در کتیبه‌ای که بر آن کنده شده است، آنرا به نمایندگی ولینعمت خود مَنیشتوسو به یک الهه محلی اهدا می‌کند (Eppihimer, 2010: 365)، اما چندی نگذشته بود که شورش‌ها از سر گرفته شد و جنگ‌های سارگن و ریموش با همسایگان کوهستانی یکبار دیگر در شرق

دجله تجدید شد. گویا همسایگان شرقی برای شاهان اکدی بسیار مهم بودند، چرا که ارتباط میان میانرودان و سرزمین‌های مرکز و شرق فلات ایران از طریق زاگرس مرکزی میسر بود و با درگیری‌های با ساکنان زاگرس، میانرودانی‌ها از دسترسی به موادی مانند مس، قلع و نقره محروم شده بودند (Sax et al. 1993; Liverani, 2014). با بررسی کتیبه‌های ریموش می‌توان دریافت که وی در نبردهای خود با ایلامیان ۱۶۲۱۲ نفر از آن‌ها را کشته و ۴۲۱۶ نفر از ایلامیان را اسیر کرده است (Hamblin, 2006: 79). متأسفانه هیچ گاهنگاری و مدرکی برای دوره حکومت نارامسین وجود ندارد چرا که طول دوره حکومت نارامسین دارای ابهامات فراوانی است چرا که در مدارکی از ۳۷ سال و ۵۶ سال ذکر است؛ با این وجود به نظر می‌رسد وی در حدود ۵۵ سال حکومت کرده است (Sallaberger and Schrakamp, 2015: 108).

در این دوره اکدی‌ها با سرزمین‌های شرقی در یک صلح پایدار به سر برده‌اند و هیچ شورش یا مخالفتی از جانب ایلامی‌ها علیه امپراتوری اکد گزارش نشده است. از لرستان یک ظرف با یک کتیبه اکدی مربوط به نرام-سین نیز بدست آمده است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۳۷۰). پس از نرامسین دوران طلایی اکدی‌ها رو به افول می‌رود. در این دوران دیگر نامی از ارتفاعات شرقی اکد برده نشده است. همزمان با حکومت شرکی شری، آخرین پادشاه اکد، پوزوراینشوشیناک بر شوش مسلط شد و خود را شاه اَوَن خواند (Lambert, 1979).

۴. اکدی‌ها و کوهستان‌های شرقی

زمانی که متون و افسانه‌های میانرودانی را مطالعه می‌کنیم، می‌توانیم به جایگاه و اهمیت ارتفاعات زاگرس مرکزی به‌عنوان کوهستان‌های شرقی میانرودان پی ببریم. در متون افسانه‌ای و اساطیری میانرودانی در بخشی از اسطوره‌ی آفرینش زمانی که درخت هولوپویی توسط اینن از گزند باد و طوفان نجات یافت و توسط وی به شهر اوروک برده شد، پس از آنکه این درخت رشد کرد، توسط یک نوع مار^۱ افسانه‌ای و یک پرنده افسانه‌ای به نام ایمدوگود (شاید پرنده‌ای شبیه عقاب؛ چرا که در داستان‌های مشابه از عقاب نام می‌برند) درخت را اشغال و مانع دسترسی اینن به درخت می‌شوند. پهلوان افسانه‌ای میانرودان یعنی گیلگمش به کمک اینن می‌آید، مار را کشته و ایمدوگود به همراه فرزندان به کوهستان‌های شرقی می‌گریزد (Vidale, 2015). در داستان دیگری که شاید مشهورترین داستان اساطیری میانرودانی است، شکست دادن هومبابا یا هوواوا هیولای مرموز ساکن ارتفاعات شرقی توسط گیلگمش و اتانا است (Collon, 1987: 180). ارتفاعات زاگرس برای میانرودانی‌ها سرزمین مردگان، سرزمینی مرموز و تاریک و جایگاه هیولاهای افسانه‌ای است (Collins, 2016: 73). به تصویر کشیدن داستان‌های اساطیری و نیز کوهستان‌های شرقی به اشکال مختلف بر روی آثار به‌ویژه بر روی مهرهای رایج بوده است که در دوره‌ی اکد شاهد افزایش بی‌سابقه رواج چنین مناظری بر روی مهرها هستیم (Von der Osten, 1934: 113).

از نظر زبان‌شناختی نیز در هر دو زبان سومری و اکدی خارج و خارجی به شکل شرق و سرزمین‌های کوهستانی توصیف شده است. در زبان سومری واژه کوهستان برای سرزمین خارجی و مرد کوهستان نیز برای فرد خارجی بکار رفته است. در زبان اکدی نیز رفته رفته شرق معنی فرد خارجی به خود می‌گیرد (Stienkeller, 1980). از آنجایی که در هزاره‌های سوم و دوم پ.م، در نواحی کوهستانی و مرتفع زاگرس

¹ Serpent

مرکزی هیچ مدرک نوشتاری در مورد وقایع معاصر به‌جای نمانده است، استفاده از منابع مکتوب برجای مانده در مورد جوامع ساکن در زاگرس مرکزی از مناطق پست میانرودان شرح‌حالی یک‌طرفه و غرض‌آلود را در اختیار ما قرار می‌دهد (Henrickson, 1984; Henrickson, 2011). این مناطق کوهستانی و مرتفع بیشتر از همه به‌عنوان نقاط هدف لشکرکشی‌های نظامی و سیاسی برای دستیابی به منابع اولیه و باج و خراج شناخته می‌شوند (Potts 1993). به‌عبارتی دیگر، این مناطق را به‌عنوان مکان سکونت غارتگران نامتمدن که گه‌گاه برای ویرانی و چپاول مناطق پست میانرودان به آنجا حمله‌ور می‌شدند، می‌شناسند. این تصویری است که از ساکنین این مناطق به ما رسیده و نیازمند به تأمل بیشتری است. به‌طور کلی، یافته‌های باستان‌شناسی هستند که باید اولین مبنا برای درک و شناخت تاریخ فرهنگی این اقوام کوه‌نشین باشند (Potts, 1999: 95). با این وجود اولین گزارش‌های به هم پیوسته در متون میان‌رودانی در مورد سرزمین‌های شرقی در زمان حکومت اکدی‌ها مشاهده می‌کنیم (استولپر، ۱۳۸۹: ۳۷).

ظهور اکدی‌ها در مناطق پست میانرودان (۲۳۰۰ پ.م) واکنشی شگرف در مقابل توسعه‌ی سرزمین‌های مرتفع شرقی طی هزاره سوم پ.م بود که الگوی برهم‌کنش و ارتباطات متقابل را در قرون پیش‌رو فراهم کرده بود (هنریکسون، ۱۳۹۵). سارگن و جانشینان وی مناطق پست و هموار میانرودان را به تسخیر خود درآورده و یکپارچه ساختند. آن‌ها حتی شوش و دشت شوشان را نیز به امپراتوری خود افزودند. این اقدامات دو نتیجه‌ی مهم در پی داشت: (۱) روابط اقتصادی (و سیاسی) بین دشت شوشان و ارتفاعات را تحت تاثیر خود قرار می‌داد و (۲) ارتفاعات و سرزمین‌های بلند را نیز درگیر فشارهای نظامی و سیاسی می‌نمود. سنگ‌نبشته‌ها و سالنامه‌ها، اطلاعاتی درباره‌ی تلاش‌های دیپلماتیک و سیاسی و لشکرکشی‌های نظامی در ارتفاعات و سرزمین‌های بلند در اختیار قرار می‌دهد (Carter, 1986)، اگرچه مقیاس موفقیت آن‌ها احتمالاً با بزرگنمایی همراه بوده است. کتیبه‌های سارگن نشان می‌دهد که ایلام (خوزستان)، اُون (زاگرس مرکزی) و مرهشی که احتمالاً در محدوده‌ای شامل شرق فارس، کرمان و شمال کرمان قرار داشته است (Stienkeller, 1982)، به مانند حکومت اکد دارای سرزمینی پهناور بوده‌اند اما بنا به گفته‌ی کتیبه‌ها توسط افرادی فرومایه اداره می‌شدند (Lambert, 1979: 21). همچنین اکدی‌ها بیش از آنکه شوش را مرکزی برای ایلام بدانند، اُون را کانون پادشاهی ایلام ذکر می‌کنند (Hintz, 1971). با این وجود از اهمیت ایلام و شوش به دلیل فراهم کردن دسترسی به خلیج فارس هیچ‌گاه کاسته نمی‌شود (Renette, 2013: 46). اما به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد در طول حکومت اکد، اشاره به نبرد در محلی بین اُون و ایلام در کتیبه‌های اکدی، به‌منظور نشان دادن ساکنین کوهستان‌های شرقی به عنوان دشمن اصلی آن‌ها بوده است و این شیوه اشاره‌وار بیانگر مبارزه اکدی‌ها با کوهستان‌های شرقی (زاگرس مرکزی) بوده و نه خوزستان (Stolper, 1984). سارگن در ابتدای حکمروایی خود در امتداد رودخانه دیاله و الوند به سیموروم در ارتفاعات شرقی لشکرکشی می‌کند (Liverani, 2014: 134). نَرام سین و شرکلی‌شری نیز اقدام به لشکرکشی در امتداد همان مسیر به‌منظور تسلط بر شاهراه خراسان بزرگ، به لولوبوم و سیموروم می‌کنند (Sallaberger and Schrakamp, 2015, 111) (تصویر ۴).

۵. سرپل ذهاب در متون میانرودانی

همان‌طور که گفته شد سرپل ذهاب به نام‌های گوناگون در متون میانرودانی ذکر شده است. در متون از سرزمینی به نام نَمَر (*Namar*) و در متون سلسله‌های قدیم به صورت نَمری (*Namri*) ذکر شده است. در متون اکدی که از تل سلیمه حمزین بدست آمده نیز به این سرزمین در کنار خَلَمَن اشاره شده که در امتداد شاهراه خراسان بزرگ و در زاگرس مرکزی قرار می‌گرفته (*Frayne, 1994: 64*). در دوره اکد و نیز همزمان با دوره حکومت سیموروم در میانرودان به نام‌های خُلوان، خَلَمَن و خُلوان بر می‌خوریم (*Frayne, 1999: 148*). این اسامی نه تنها نامی برای یک منطقه جغرافیایی است بلکه نام رودخانه‌ای است که امروزه آن‌را به نام رودخانه الوند نیز می‌شناسیم. این رودخانه در امتداد غرب به رودخانه دیاله می‌پیوندد و در متون متعدد از آن نام برده شده است. از آنجایی که این رودخانه می‌تواند معیار مناسبی برای شناسایی مناطق و یا شهرهای کهن باشد، برای مطالعات باستان‌شناسی بسیار مهم است. در فهرست نام‌های جغرافیایی بدست آمده از ابوصلابخ و نیز ابلا به جای نام‌های م- توَرَن (*Me-Turran*)، بَتیر (*Batir*)، نِقوم (*Niqum*)، نَمَر (*Namar*)، مَدَر (*Madar*) و پَدَن (*Padan*) اشاره شده که در امتداد رودخانه خُلوان قرار داشته‌اند (*Frayne, 1999: 147*). ممکن است پَدَن همان پالی/پالوم باشد که عبدی و بکمن مکان آن‌را چغاگاوانه در اسلام‌آباد غرب پیشنهاد می‌کنند (*Abdi and Beckman, 2007*). با این تفاسیر به نظر می‌رسد خُلوان یا خُلوان نام منطقه‌ای بوده که کوه بَتیر نیز در آن قرار داشته است. همان کوهی که به استناد کتیبه اکدی نقش برجسته آنوبانی‌نی بر روی آن حک شده و اکنون در حاشیه شمالی شهر سرپل ذهاب واقع شده است. در کودوروی بابلی - کاسی کشف شده در سرپل- ذهاب نیز از رودخانه‌ای مرزی به نام توران (*Turan*) نام می‌برد که احتمالاً نام دیگر رودخانه خُلوان است (*Borger, 1970*). نام خَلَمَن در کتیبه بسیار مهم قریب خالدینی نیز به‌عنوان جنوبی‌ترین محدوده سرزمینی سیموروم در اوایل هزاره دوم پ.م نیز ذکر شده است (*Ahmad, 2012: 264*)؛ جایی که ایدین‌سین نقش برجسته‌ای را بر روی کوهی روبه‌روی نقش برجسته آنوبانی‌نی حک کرده است. تسلط بر چنین گذرگاه مهمی برای حفظ قدرت و نفوذ حکمروایی سیمورومی‌ها بسیار مهم بوده است. اما شهر دیگری که در پس از نام خَلَمَن در این کتیبه آمده و احتمالاً در نزدیکی خلمان بوده سرزمین بِل (*Be-el ki*) است. در زبان سامی به معنی سرور، رئیس یا فرمانروا است، البته این نام الزاماً این نکته را تأیید نمی‌کند که این نام سامی است. ممکن است که این نام متعلق به یک زبان دیگر و با یک معنی متفاوت باشد؛ نکته مهم اینجاست که بِل پس از نام خَلَمَن و قبل از نام آنوبانی‌نی در این کتیبه آمده است و پس از نام آنوبانی‌نی نام منطقه‌ای در شمال سرپل ذهاب به نام تیدلوخوم (*Tidluhum*) ذکر شده که احتمالاً مبین این نکته است که بِل در شمال خَلَمَن و سرپل ذهاب قرار گرفته است. شاید منظور از بِل منطقه نزدیک به رودخانه سیروان و چشمه‌ی مشهوری است که امروزه با نام کانی بِل می‌شناسیم باشد (*Mirghaderi and Alibaigi, 2018*). اما هر چه هست این مکان در نزدیکی خَلَمَن است. در متون مربوط به تیگلات‌پیلسر I و شلمانصر III آشوری به جای خَلَمَن از نام آرَمَن (*Arman*) استفاده شده است، و در متون جدیدتر در متون آداد نیراری II و شمشعی آداد پنجم به ایالمان (*Ialman*) اشاره شده است (*Luckenbill, 1923*). در دوران تاریخی و اسلامی نیز این منطقه با نام حلوان شناخته می‌شود.

۶. بازنمایی ارتفاعات شرقی بر روی مهرهای اکدی

اهمیت کوهستان‌های شرقی تا بدان جاست که اکدی‌ان علاوه بر اشارات متعدد در متون میخی، به دفعات فراوان بر روی مهرهای خود مناظر کوهستانی را به تصویر کشیده‌اند؛ بر خلاف دوره‌های قبل که گاو میش‌هایی با چهره‌های انسانی از کوهستان محافظت می‌کردند، در این دوره شَمَش خدای خورشید را می‌بینیم که در حال محافظت از کوهستان است (Collins, 2016: 80). حتی مهرهای دوره اور III نیز هم از لحاظ نقوش و هم از لحاظ کیفیت تفاوت بسیاری با مهرهای اکدی دارند (Dittmann, 1994: 75). در دوره اکد؛ نینورتا و یا خدای آب، اِآ را در کوهستان‌های شرقی نشان می‌دهد، در این تصاویر شَمَش خدای خورشید در بین دو کوه قرار گرفته و ستیزه‌جویانه در حال بالا رفتن از کوهستان است (Frankfort, 1934: 4). بر همین اساس است که می‌توان مزامین کوهستان را در مهرهای اکدی به همراه نقش خدایان و الهگان اکدی مشاهده کرد. در این میان مضامینی مانند الهه‌ای در کوهستان، مبارزه‌ی الهه و خدا در نزدیکی کوهستان، ایستادن خدای آب در چشم‌اندازی کوهستانی، شکار پرنده در یک چشم‌انداز کوهستانی و محاکمه مرد - پرنده توسط خدای آب (پرنده و مرد - پرنده احتمالاً نمادی از ساکنان کوهستان هستند) بیش از سایر مضامین به چشم می‌خورد (Frankfort, 1934). مهرها در این دوره مکرراً در حال نشان دادن یک سیمای کوهستانی هستند که به نظر می‌رسد در حال نشان دادن کوهستان‌های شرقی اکد یعنی زاگرس مرکزی است (Kantor, 1966: 147). در اغلب این صحنه شاهد این نکته هستیم که شَمَش در یک چشم‌انداز کوهستانی در میان دو کوه ایستاده و در حال نبرد است (Kantor, 1966: 153). حضور شَمَش در کوهستان‌های شرقی به شکل قابل توجهی بر روی مهرهای اکدی مشاهده می‌شود (Frankfort, 1955: 40)؛ در برخی از این مهرها دروازه‌هایی که بسیار ساده ترسیم شده‌اند که توسط وزرا و یا پهلوانان افسانه‌ای در حالی که به سوی کوهستان‌های شرقی و شَمَش باز شده بر روی مهرها حک شده‌اند (Ward, 1910, 87). تحول سبکی در مهرهای اکدی و نمایش چنین صحنه‌هایی در زمان انخدوئن دختر سارگن رخ می‌دهد که در مهر اَدّ شاهد تجلی آن هستیم. مهر اَدّ (Adda) یکی از مهمترین مهرهای اکدی است که مربوط به اَدّ پیشکار انخدوئن دختر سارگن بوده است (Reade, 1991). مهر از سنگ سبز رنگی تراشیده شده و ارتفاع آن ۳٫۹ و قطر آن ۲٫۵۵ سانتی متر است. به طور کلی در مهرهای اکدی شخصیت‌های حاضر در مهرها بر اساس کلاه‌ها و سایر ویژگی‌های یک خدا شناخته می‌شوند. بر روی مهر اَدّ عشتار با کلاهی شاخ‌دار و در ظاهر یک شکارگر نمایش داده شده است، شَمَش خدای خورشید نیز معمولاً دارای شمشیری دندانه‌دار است. در دوره اکد شَمَش نقشی محبوب برای نمایش بر روی مهرهای اکدی است (Collins, 2016: 80). اِنکی (Enki) سومری یا همان اِآ (Ea) اکدی خدای جنگ و آب-های روان است. اِنکی خدای حکمت، کشاورزی، جادوگری، صنایع و دشت‌ها است. او به واسطه نقشی شناخته می‌شود که در آن وی توسط جریان آب احاطه شده است (Foster, 2005: 151; Brisch: 2016: 19). اِنکی، اِنلیل (Enlil) و اَنو (Anu) جز مهمترین خدایان میان‌رودانی محسوب می‌شوند. که به همراه وزیر یا پیشکار خود نشان داده می‌شوند. حالتی که در مهر اَدّ از اِنکی درحالی که پای خود را بر روی کوه گذاشته است را پیش از این از وی مشاهده نمی‌کنیم (Frankfort, 1934: 27). در مهر اَدّ اِآ (Ea) با کنترل عقابی که در دست دارد حمله عقاب به شَمَش را هدایت می‌کند. به عبارتی دیگر در این مهر عقاب نمادی از یک نیروی خصمانه علیه

شَمَش است که توسط آ آ مهپار شده است (مجیدزاده، ۱۳۸۲). یک گاو نر هم در زیر پای آ قرار دارد. این گاو یا گاو میش به احتمال نمادی از نگهبان کوهستان دارد؛ در سایر مهرهای میانرودانی گاو میش‌های شاخ‌دار با صورت‌های انسانی به عنوان نگهبانان کوه‌های شرقی معرفی می‌شوند (Collins, 2016: 74). در برخی از مهرهای میانرودانی نیز این موضوع به تصویر کشیده است. برای مثال در مهری که در موزه بریتانیا قرار دارد نینورتا درحالی که کمانی را به سمت گاو میشی نشانه گرفته است نشان می‌دهد؛ گاو میش نیز بر روی کوهستان و روبه روی نینورتا ایستاده است (تصویر ۶).

بر روی مهر آ آ یک کتیبه بر بالای نقش شیر آمده که آ آ خود را به عنوان یک مقام عالی رتبه معرفی می‌کند. آن فردی که دارای دو چهره است، وزیر ارشد، اوسمو است. عِشتر به‌عنوان خدای باروری با خوشه‌های خرما شناخته می‌شود. خدای خورشید نیز به واسطه برکشیدن شعله‌های آتش از شانه‌ها و نیز در دست داشتن شمشیری دندان‌دار در مرکز تصویر در حالی که نیم‌تنه وی در میان کوه‌ها پنهان شده است به نمایش در آمده است (Collon, 1987: 35). در سمت چپ عِشتر آن شخصی که کمانی در دست دارد هنوز کاملاً شناسایی نشده است اما به احتمال فراوان در حال نمایش خدایی به مانند نینورتا یا همان نوسکو (Nusku) است (Collon, 1987) که از جمله خدایان میانرودانی به شمار می‌رود. در شرح نینورتا در اساطیر از او به عنوان کسی یاد شده چهار بار از کوهستان فرود آمده است (Frankfort, 1934: 25) (تصویر ۷).

در مهری که در سال ۱۹۰۸ در محلی نامعلوم کشف و در فهرست آثار موزه بریتانیا به شماره BM 102500 ثبت شده است شَمَش خدای خورشید را می‌بینیم که در میان دو کوه از کوه‌های شرقی قرار گرفته در حالی که با دو دست خود به کوهستان تکیه کرده است و و همراهان وی دروازه‌ای را برای او نگه داشته‌اند (Collon, 1987: 35). هر سه نفر دارای ریش و دامن چین‌دار هستند (Collon, 1982: 177, pl. XXV) (تصویر ۸).

مهری دیگر که در سال ۱۹۲۹ م یافت شده و در فهرست آثار موزه بریتانیا به شماره BM120969 ثبت شده است نیز در حال نشان دادن شَمَش در کوهستان است. این مهر به رنگ قهوه‌ای سوخته است و دارای ارتفاع ۳٫۵ سانتی متر و قطر ۲٫۳ سانتی متر است. در این مهر شَمَش در حال بالا رفتن از کوهستان نشان می‌دهد و همراهان وی نیز دروازه‌ای را برای وی نگه داشته‌اند. در این مهر هر سه نفر دارای ریش هستند و لباس و دامن چین‌دار بر تن دارند (Collon, 1982: 173; Ibid, pl. XXV) (تصویر ۹).

در مهر دیگری که از گورستان سلطنتی اور بدست آمده و در فهرست آثار موزه بریتانیا (به شماره BM120540) ثبت گردیده نیز شَمَش را در بین دو کوه نمایش می‌دهد که در این مهر بر خلاف مهرهای قبل تنها دروازه توسط یک نفر نگه داشته شده است و شَمَش به خدای آب‌های روان که پشت سر خودش ایستاده، می‌نگرد. در این مهر نیز خدای آب‌های روان به صورت فردی که از شانه‌های رودی جاری است نمایش داده شده است. در کنار خدای خورشید در سمت راست نیز خدای میانجی ایستاد و در پشت سر وی نیز فردی را در حال آوردن یک حیوان (احتمالاً قربانی) نشان می‌دهد. (Boehmer, 1965; Collon, 1982 169, pl. XXIV) (تصویر ۱۰).

در اثر مهری دیگر که از تلو یا همان گیرسو بدست آمده است نیز شَمَش در حال بالا رفتن از کوه‌های شرقی اکد است. این اثر مهر دارای یک کتیبه مربوط به زمان شرکلی شری شاه اکد نیز بر روی این مهر وجود

دارد که ترجمه آن چنین است: شرکلی شری، شاه اکد، توانا، لوگال اوشومگل (*Lugal Ushumgal*) خدمتگزار توست (*Collon, 1987: 125*) (تصویر ۱۱).

مهری دیگر که در مجموعه مورگان نگهداری می‌شود به مانند مهرهای دیگر خدای شَمَش را نشان می‌دهد که در میان کوهستان‌های شرقی اکد در حال مبارزه است. در این مهر نیز همراهان وی دروازه‌ای را به سوی وی گشوده‌اند (*de Laperouse, 2003: 214*) (تصویر ۱۲).

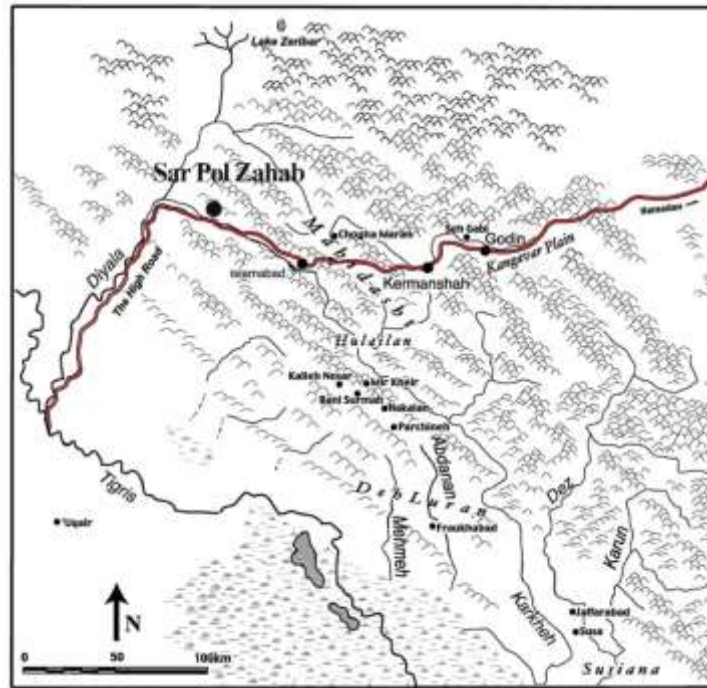
در اثر مهری دیگر نیز نقش شَمَش خدای خورشید در بین دو کوه هستیم. در اینجا شَمَش پای راست خود را بالا آورده و بر روی کوه گذاشته است و گویی در حال بالا رفتن از کوه است. در دو سمت وی همراهانی ایستاده‌اند و درهای دروازه‌ای را نگه داشته‌اند که در دروازه سمت راست بر روی دروازه شیری ماده و بر روی دروازه سمت چپ شیر نری نشسته است. می‌دانیم که وقتی در میانرودان هستیم، خورشید از سمت شرق و از فراز کوه‌های زاگرس طلوع می‌کند و به میانرودان نوردهی می‌کند (*Collon, 1987: 35 fig 103*); (*Collon, 1982 172*) (تصویر ۱۳). از این رو در تفسیر نقوش این مهرها از چنین رویدادی الهام گرفته شده است.

در یک اثر مهر که از ساختمان *IVb* (لوکوس *K19:19*) تل اسمر بدست آمده، به مانند دیگر نمونه‌های گفته شده شَمَش در حالی که روی یک کوه ایستاده و در حال بالا رفتن از آن است در دو طرف وی نیز دو نگهبان دروازه‌ای را نگه داشته‌اند. در این مهر بر خلاف نمونه‌های مشابه آن حضور تصویر شیرهای نر و ماده بر روی دروازه مشاهده نمی‌شود. (*Frankfort, 1955, pl 56:591*) (تصویر ۱۴).

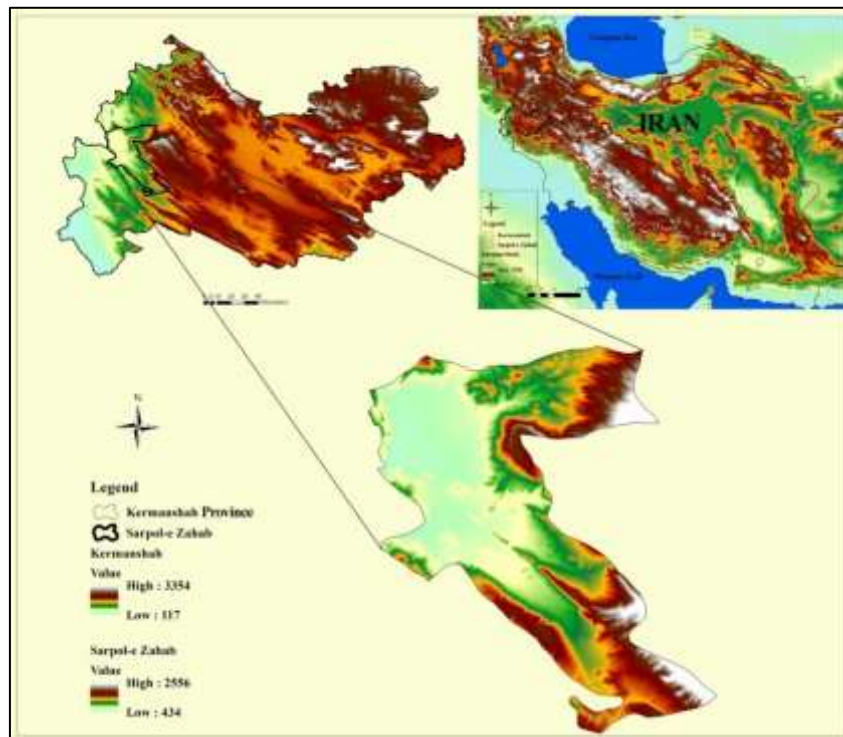
۷. نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، سارگن و جانشینانش پس از به قدرت رسیدن و با توجه به اهمیت کوهستان‌های شرقی و تأمین مسیرهای تجاری که میانرودان را به زاگرس مرکزی و شرق مرتبط می‌ساخت، به کوهستان‌های شرقی به دفعات لشکرکشی کردند (*Liverani, 2014*). اگر با این نظر که پایتخت اکدیانی یعنی شهر اکد در محل تلاقی رودهای دجله و دیاله؛ یعنی جایی که دقیقاً مشرف و نزدیک به کوهستان‌های زاگرس و نیز منطقه سرپل‌ذهاب است، موافق باشیم (*Collins, 2016: 79*)، اهمیت کوهستان‌های شرقی بیش از پیش نمایان می‌شود. در دوره اکد شاهد رواج بی‌سابقه نقوشی بر روی مهرهای استوانه‌ای هستیم که شَمَش را در حال بالا رفتن از کوهستان‌های شرقی و یا در حال مبارزه در میان کوهستان‌های شرقی نشان می‌دهد. مهرهای اکدی از نظر سبک و نقش به سه دوره تقسیم می‌شوند که سبک اکدی *Ia-c* مربوط به زمان سارگن، سبک اکدی *II* مربوط به زمان ریموش و مَنیشتوشو و سبک اکدی *III* که مدت زمان بیشتری نسبت به دو سبک قبلی دارد و مربوط به زمان نارامسین و شرکلی‌شری می‌شود (*Dittmann, 1994: 78*). در هر سه دوره شاهد رواج چنین نقوشی بر روی مهرها هستیم. شَمَش گاه تنها و گاه به همراه سایر خدایان و الهگان به تصویر کشیده شده است. در برخی از مهرها نیز دروازه‌هایی توسط پهلوانان افسانه‌ای به سوی او کشوده شده است. آیا رواج چنین نقوشی بر روی مهرهای استوانه‌ای اکد اتفاقی و صرفاً محصول یک فرایند هنری است؟ چه تفسیری برای رواج چنین نقوشی بر روی مهرهای استوانه‌ای اکد قابل ارائه است؟ در نگاه اول از آنجایی که شَمَش را به عنوان خدای خورشید می‌شناسیم و جایگاه والایی در میان میارودانی‌ها داشته می‌توان اینگونه

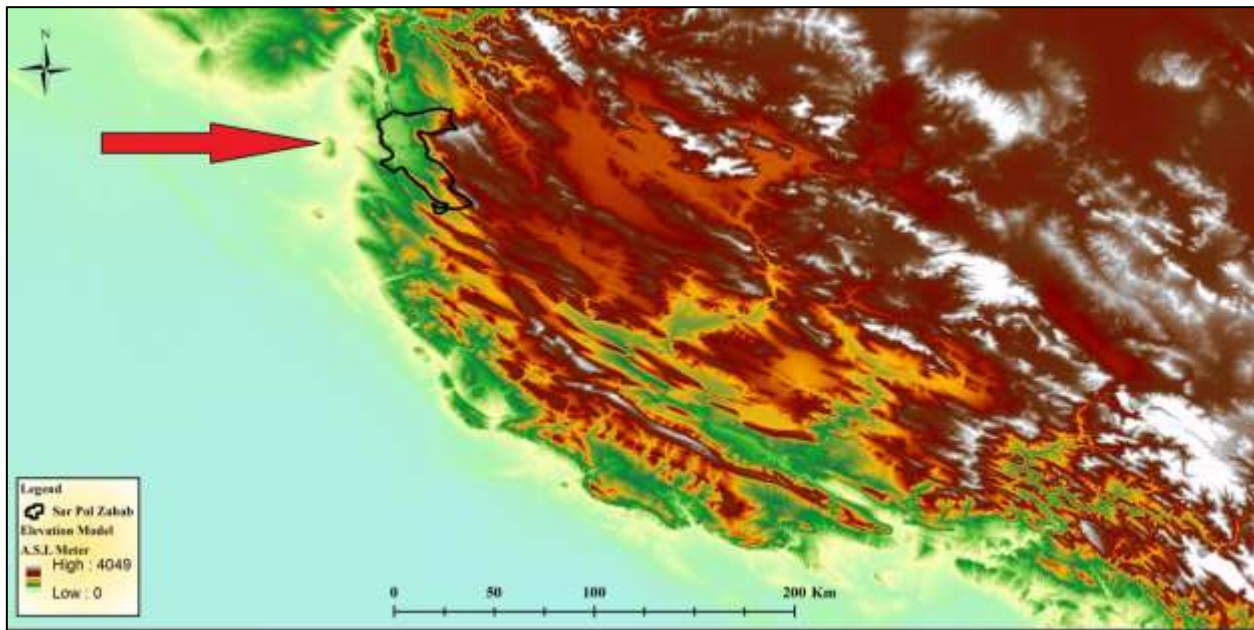
تفسیر کرد که اکدی‌ان در حال نمایش طلوع خورشید از سمت شرق هستند (Collins, 2016: 80). خورشید هنگام طلوع از سمت شرق از ستیغ کوهستان و از میان دره‌های زاگرس بر میانرودان می‌تابد و این صحنه ممکن است دست‌مایه اکدی‌ان در به تصویر کشیدن آن بر روی مهرهای خود باشند. چنین تفسیری ممکن است به واقعیت نزدیک باشد اما به نظر می‌رسد با توجه به وجود دروازه‌ها و شمشیرهای برکشیده شمش و ... بتوان تفاسیر کامل‌تری را ارائه کرد. ما در این مقاله پیرامون اهمیت شاهراه خراسان بزرگ و منطقه سرپل-ذهاب به عنوان دروازه ورود به زاگرس مرکزی برای حکومت‌های میانرودانی توضیح دادیم و نشان دادیم که با توجه به موقعیت این منطقه که شواهد باستان‌شناختی نیز آن را تأیید می‌کند تا چه اندازه برای اکدی‌ان مهم و راهبردی بوده است. شواهد باستان‌شناسی که در بررسی‌های باستان‌شناختی اخیر بدست آمده نیز وجود محوطه‌های متعددی هم افق با دوره اکد در دشت سرپل‌ذهاب را نشان می‌دهد (علی‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ متون دوره اور III نیز به اهمیت این منطقه اشاره دارد تا جایی که شاهان اور III مانند شولگی برای تسلط دوباره خود بر منطقه سرپل‌ذهاب پس از سقوط اکدی‌ان نزدیک به ده بار به این منطقه لشکرکشی می‌کند (Frayne, 1999). بنابراین شواهد باستان‌شناختی از یک سو و منابع مکتوب و شرایط جغرافیایی اهمیت شاهراه خراسان بزرگ و ابتدای این شاهراه در غرب زاگرس برای حکومت‌های میانرودانی را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد مهرهای اکدی بازنمایی کنترل و نظارت بر همین شاهراه مهم هستند که ابتدای آن از مسیر غرب به شرق سرپل‌ذهاب و گذرگاه کوهستانی آن است، هستند. در این مهرها شمش در بین کوهستان و در یک گذرگاه در حال نبرد است، دروازه‌هایی به سوی او باز شده‌اند و در یکی از مهرها، مهر آد، بر بالای کوهی و در سمت راست شمش عیشر ایستاده است. عیشر همان الهه مقدسی است که بر روی نقوش برجسته آنوبانی‌نی، در حال اعطاء حلقه قدرت به آنوبانی‌نی شاه لولوبی است. هرچند در نقش برجسته متعلق به ایدین-سین شاه سیموروم که در سرپل‌ذهاب قرار دارد نماد عیشر نیز روبه‌روی ایدین‌سین است اما ایدین‌سین در نقش برجسته اورشلیم به مانند آنوبانی‌نی از عیشر حلقه قدرت را دریافت می‌کند (Ahmad, 2012: 308, fig 4a). این نقوش در تنگه ناوکل و جایی که شهر امروزی سرپل‌ذهاب شکل گرفته، ایجاد شده‌اند. به نظر می‌رسد حضور شمش در میان کوهستان و یک گذرگاه، وجود دروازه‌هایی در اطراف وی و نیز حضور عیشر و سایر شواهدی که پیرامون آن‌ها بحث کردیم همه و همه این نکته را به ما خاطر نشان می‌کنند که ممکن است اکدی‌ان در حال نمایش گذرگاه شاهراه خراسان بزرگ، منطقه سرپل‌ذهاب و کوهستان بتیر هستند. احتمالاً اکدی‌ان در تصویر سازی خود بر روی مهرها، بویژه بر روی مهر آد، تصویری مشابه تصویر ۱۵ را در متصور بوده‌اند.



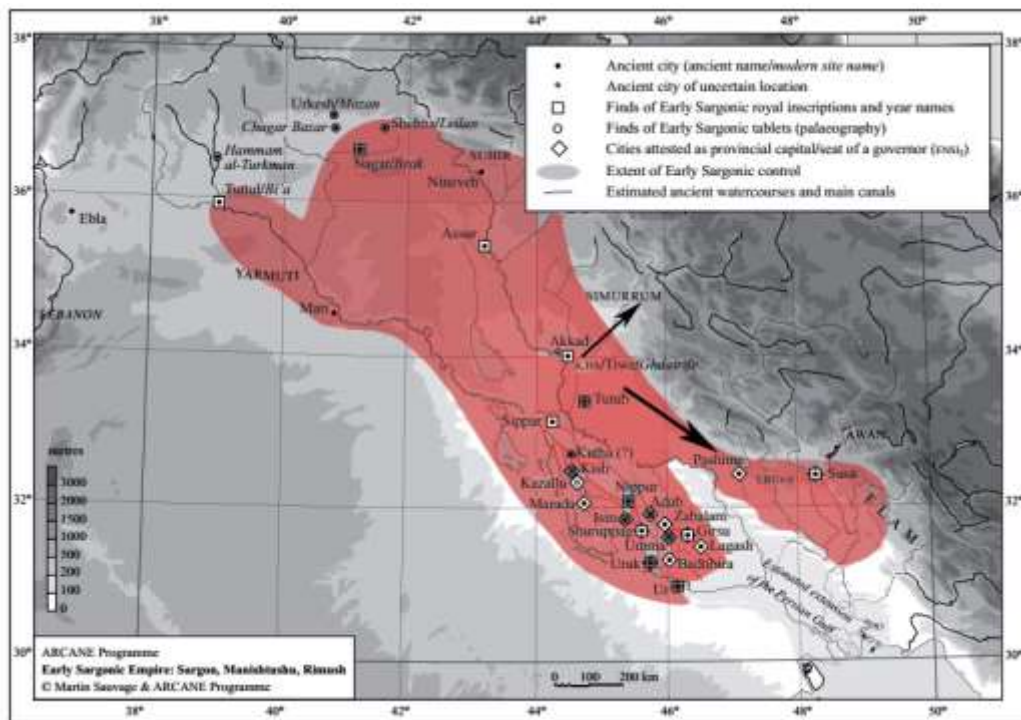
تصویر ۱: موقعیت قرارگیری سرپل ذهاب (برگرفته با اعمال تغییرات (Abdi, 2003: 480)



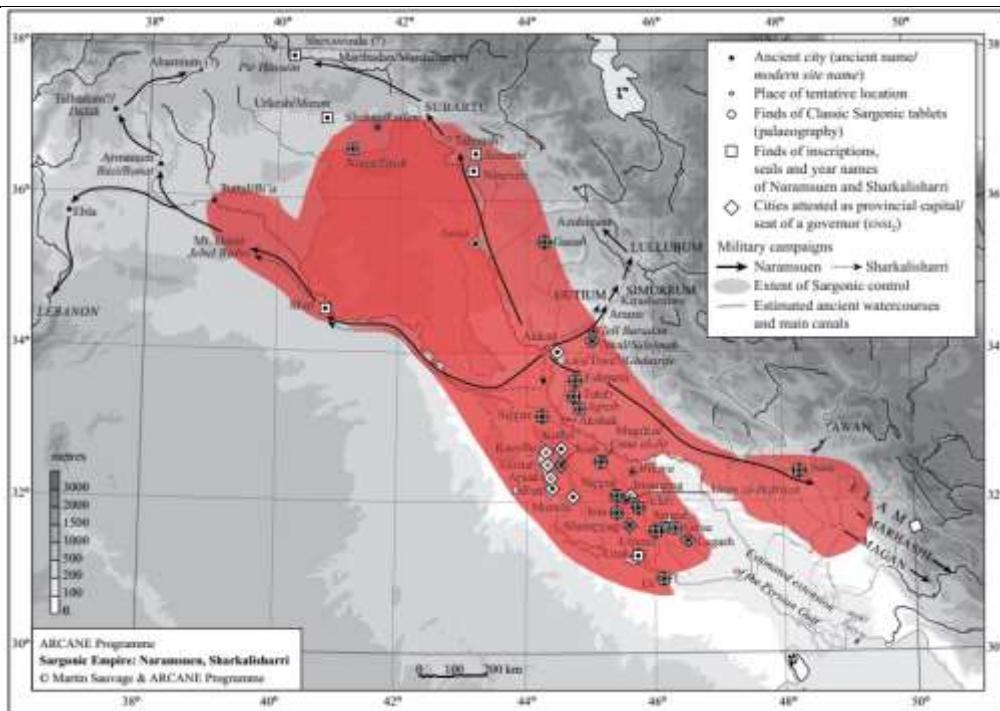
تصویر ۲: موقعیت شهرستان سرپل ذهاب در غرب ایران (ترسیم نقشه از بهار رضائی باغبیدی)



تصویر ۳: موقعیت شهرستان سرپل ذهاب در غرب زاگرس مرکزی (ترسیم نقشه از بهار رضائی باغبیدی)



تصویر ۴: قلمرو حکومت اکد و مسیر لشکرکشی‌های سارگن (Sallaberger and Schrakamp, 2015: 111)



تصویر ۵: قلمرو اكد و مسیر لشكركشی‌های نرامسین و شركلی شری (Sallaberger and Schrakamp, 2015: 111)



تصویر ۶: محافظت از کوهستان‌های شرقی توسط گاو میش (برگرفته از وبگاه موزه بریتانیا)



تصویر ۷: اثر مهر اَدّ و تصویر خدایان و الهگان میانرودانی بر فراز کوهستان‌های شرقی (Frankfort, 1934: 28 Pl d)



تصویر ۸: اثر مهری اکدی با تصویر شَمَش در میان کوهستان‌های شرقی (برگرفته از وبگاه موزه بریتانیا)



تصویر ۹: اثر مهری اکدی با تصویر شَمَش در حال بالا رفتن از کوهستان‌های شرقی (برگرفته از وبگاه موزه بریتانیا)



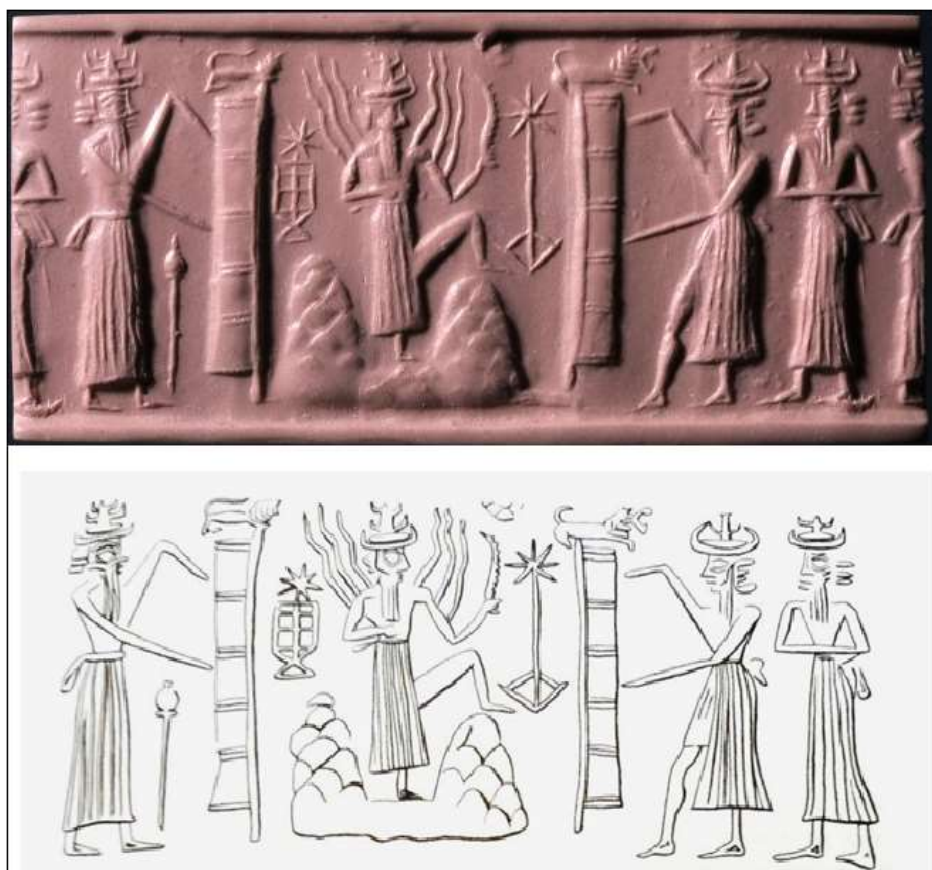
تصویر ۱۰: اثر مهری اکدی با تصویر شَمَش بر فراز کوهستان‌های شرقی (برگرفته از وبگاه موزه بریتانیا)



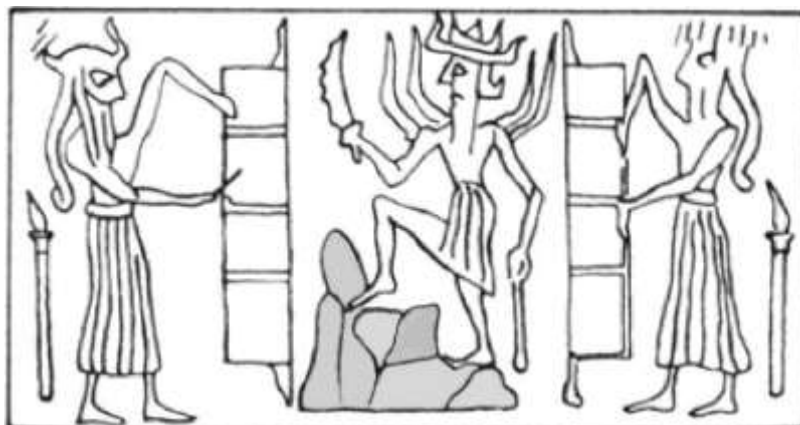
تصویر ۱۱: اثر مهری اکدی با تصویر شَمَش بر فراز کوهستان‌های شرقی (Collon, 1987: 126, fig 537)



تصویر ۱۲: اثر مهري اکدی با تصوير شَمَش در حال بالا رفتن از کوهستان‌های شرقی (de Laperouse, 2003: 214)



تصویر ۱۳: اثر مهري اکدی با تصوير شَمَش در میان کوهستان‌های شرقی (برگرفته با اعمال تغییرات Collon, 1982 pl.XXV: وبگاه موزه بریتانیا)



تصویر ۱۴: اثر مهری اکدی با تصویر شَمَش در میان کوهستان‌های شرقی (Frankfort, 1955, pl 56:591)



تصویر ۱۵: تصویری بازسازی شده از حضور شَمَش در میان کوهستان

منابع

- استولپر، متیو ولفگانگ، (۱۳۸۹)، *تاریخ ایلام*، ترجمه شهرام خلیلیان، تهران، توس.
- حاکمی، علی (۱۳۴۷)، «سنگ نبشته مربوط به زمان مردوک آپال ایدین (۱۱۲۹-۱۱۱۷ ق.م) مکشوفه در پل ذهاب، کودورو»، *باستان‌شناسی و هنر ایران* ۱: ۶۸-۷۱.
- راد، محمود، (۱۳۳۸)، اطلاعاتی اجمالی در مورد چند محل تاریخی در مغرب ایران، گزارش‌های باستان‌شناسی ۳: ۱۶-۳۰۹.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۹۰)، *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*، تهران، علمی فرهنگی.
- علی‌بیگی، سجاد؛ شکوه خسروی؛ محسن حیدری؛ فرهاد فتاحی؛ محمد جواد جعفری؛ تورج صادقی؛ حمدالله شیخ‌حسینی؛ ناصر امینی‌خواه؛ جبار سلیمیان و سمیه زینلی، (۱۳۹۵)، «بررسی در کوهپایه‌های غربی زاگرس: نگاهی به دستاوردهای مقدماتی بررسی‌های اخیر در منطقه سرپل‌زهاب»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۱۵، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشگاه میراث فرهنگی: ۴۳-۴۳۶.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۰)، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد اول: تاریخ سیاسی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۲)، *حیرت: کهن‌ترین تمدن شرق*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هنریکسون، رابرت، (۱۳۹۵)، «شهرک دوره گودین III»، *دز: گوپنیک، هیلاری و میشل راثمن*، در مسیر شاهراه، پژوهش‌های باستان‌شناختی در گودین تپه، ترجمه: محمد امین میرقادری و هادی صبوری زیر نظر سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۲۶۷-۱۹۳.
- Abdi, K., and Beckman, G., 2007, "An Early Second-Millennium Cuneiform Archive from Chogha Gavaneh Western Iran", *JCS* 59: 39-91.
- Ahmed, K. M., 2012, "The beginnings of ancient Kurdistan (c. 2500- 1500 BC): a Historical and Cultural Synthesis." PhD Dissertation. Leiden University.
- Borger, R., 1970, "Vier Grenzsteinurkunden Merodachbaladans I. von Babylonien". *AfO* 23: 1-26.
- Brisch, N. 2013. *History and chronology*. In: Crawford, H. (ed.). *The Sumerian World*. Routledge. New York. Pp: 111-128.
- Brisch, N. 2016. *Water in Sumerian Mythology*. In: Madsen, J.K., Andersen, N.O. and Thuesen, I. (eds.). *Water of life : Essays from a symposium held on the occasion of Peder Mortensen's 80th birthday. Proceedings of the Danish Institute in Damascus 11*. Forlaget Orbis. Copenhagen. Pp: 18-26.
- Carter, E. 1986. *The piedmont and the Pusht-I Kuh in the early third millennium B.C.*. In: Huot, J. L. (ed.), *Prehistoire de la Mesopotamie*, Paris: 73-83.
- Collins, P. 2016. *Mountains and Lowlands: Ancient Iran and Mesopotamia*, Ashmolean: Museum, University of Oxford.
- Collon, D. 1987. *First Impretions Cylinder Seals in The Ancient Near East*. British Museum Publications.
- Collon, D., 1982. *Catalogue of the Western Asi-1*. London.
- Crawford, H. 1991. *Sumer and Sumerians*. Cambridge University press.
- Dittmann, R. 1994. *Glyptikgruppen am Übergang von der Akkad- zur Ur III-Zeit*. *Baghdader Mitteilungen (BaM)* 25. Pp: 75-120.
- Eppihimer, M, 2010. *Assembling King and State: The Statues of Manishtushu and the Consolidation of Akkadian Kingship*. *American Journal of Archaeology*, Vol. 114(3): 365-380.
- Foster, B.R. 2005. *Before the Muses: an Anthology of Akkadian Literature*. 3rd edition. Bethesda, MD: CDL Press.
- Frankfort, H. 1955. *Stratified Cylinder Seals from The Diyala Region*, The University Of Chicago Press, Chicago, 40.
- Frankfort, H. 1934. *Gods and Myths on Sargonid Seals*. *Iraq* 1: 2-29
- Frayne, D. 1994. *The Early Dynastic list Geographical Names*. *American Oriental Society* 74.

- Frayne, D. 1999. *The Zagros Campaigns of Sulgi and Amar-Suena. Studies on the Civilization and Culture of Nuzi and the Hurrians* 10: 141-201.
- Frayne, D.R. 1993. *Sargonic and Gutian Periods (2334-2113 BC) (The Royal Inscriptions of Mesopotamia. Early periods, 2)*. Toronto - Buffalo – London. University of Toronto Press.
- Goetze, A. 1968. *Akkad Dynasty Inscriptions from Nippur. American Oriental Society* 88(1):54-59.
- Gopnik, H. 2011. *Making Sense of the Mound: Archaeological Interpretation at Godin*. In: Gopnik, H And Rothman, M. S. 2011. *On The High Road, The History Of Godin Tepe Iran. Bibliotheca Iranica: Archaeology Art And Architecture Series 1*: 21-49
- Hallo, W. 1971. "Gutium". *Reallexikon der Assyriologie III*: 708-20.
- Hamblin, W, J. 2006. *Warfare in the Ancient Near East to 1600 BC, Holy Warriors at the Dawn of History*. Rutledge, New York.
- Henrickson, R.C. 1984. *Šimaški and Central Western Iran: The Archaeological Evidence, Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* 74: 98-122.
- Henrickson, R.C. 2011. *The Godin Period III Town*. In: Gopnik, H And Rothman, M.S (eds.), *On The High Road: The History Of Godin Tepe Iran, Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture Series 1*: 209-282.
- Herzfeld, E., 1920, *Am Tor von Asien. Felsdenkmale aus Irans Heldenzeit*, Berlin: Dietrich Reimer.
- Hintz, W. 1966 . *Nachlese Elamischer Denkmaler. IrAn* 6: 43–47.
- Hintz, W. 1971. *Persia, c. 2400-1800 B.C*. In: I.E.S. Edwards, C.J. Gadd and N.G.L. Hammond (eds.). *The Cambridge ancient history, Vol. 1 part. 2*. University of Cambridge: 36-337.
- Kantor, H.J. 1966. *Landscape in Akkadian Art Source: Journal of Near Eastern Studies, Vol. 25, No. 3* 145-152.
- Lambert, M. 1979. *Le prince de Suselish-mani, etl'Elam de Naram-Sin à Ibisin. Journal asiatique* 267: 11-40.
- Levin, Y. 2002. *Nimrod the Mighty, King of Kish, King of Sumer and Akkad. VetusTestamentum*52(3): 350-366.
- Liverani, M. 1966. *Sargon di Akkad (I protagonisti della storia universale 57)*. Milano.
- Liverani, M. 2014. *The ancient near east: history, society and economy*. Translated by Soraia Tabatabai. Routledge New York.
- Luckenbill, D. D. 1927. *Ancient Records of Assyria and Babylonia, vol. II*, Chicago.
- Luckenbill, D.D. 1923. *Akkadian Origins. The American Journal of Semitic Languages and Literatures, Vol. 40, No. 1*: 1-13.
- Mirghaderi, M.A., and Alibaigi, S., 2018. *The Toponym "Land of Bel" in the Haladiny Inscription. NABU 2018*, 106-108.
- Nigro, L. 1998. *The Two Steles of Sargon: Iconology and Visual Propaganda at the Beginning of Royal Akkadian Relief. Iraq* 60: 85-102.
- Oberlander, T. 1965. *The Zagros streams: A new interpretation of transverse drainage in an Orogenic Zone. Syracuse Geographical Series No. 1*, Syracuse University Press, New York.
- Potts, D.T. 1999. *The Archaeology Of Elam, Cambridge*, Cambridge University Press.
- Potts, T.F. 1993. *Patterns Of Trade In Third-Millennium BC Mesopotamia And Iran, World Archaeology* 24 (3): 379-402.
- Reade, J.E. 1991. *Mesopotamia*. London, The British Museum Press.
- Renette, R. 2013. *The trans- Tigris corridor in the early Third Mi. B.C*. In: De Graef, K and Tavernier, J. (eds.). *Susa and Elam; Archaeological, Philological, Historical and Geographical Perspectives. Proceedings of the International Congress Held at Ghent University, December 14–17, 2009. Leiden, Boston*. Pp: 43-50.

- Rothman, M.S. 2011. *The Environment Of Godin Tepe*. In: H. Gopnik And M.S. Rothman (eds.), *On The High Road: The History Of Godin Tepe Iran*, *Bibliotheca Iranica, Archaeology Art And Architecture Series1*: 49-66
- Sallaberger, W. and Schrakamp, I. 2015. *Sargonic Rule in Mesopotamia*. In: Walther Sallaberger & Ingo Schrakamp (Eds.), *History & Philology (= Arcane III)*, Brepols, Turnhout: 105-113
- Sax, M. Collon, D. and Leese, M.N. 1993. *The Availability of Raw Materials for near Eastern Cylinder Seals during the Akkadian*. *Iraq* 55: 77-90.
- Stienkeller, P. 1980. *The old Akkadian terms for Eastern*, *Revue dAssyriologie* 47: 1-9
- Stienkeller, P. 1982. *The question of Marhashi: a contribution to the historical geography of Iran in the third millennium B.C.*. *ZA* 72(2): 237-65.
- Stolper, M.W. 1984. *Political history*. In: E. Carter and M. Stolper (eds.), *Elam: Surveys of Political History and Archaeology*, *University of California Publications: Near Eastern Studies No. 25*: 1-100.
- Vidale, M. 2015. *Searching for Mythological Themes on the 'Jiroft' Chlorite Artefacts*. *Iranica Antiqua* 50: 15-5
- Von Der Osten, H., H. 1929. *Ancient Oriental Seals In The Collection Of Mr. Edward T. Newell*. *University Of Chicago Press*. Chicago, Illinois.
- Ward, H.W. 1910. *The Seal Cylinders of Western Asia*, *The Carnegie Institution Of Washington*, Washington, D.C.
- www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details.aspx?objctId=804877&partId=1&subject=17046&sortBy=imageName&page=1